

Differential Investigation of Economic crimes in Iranian and French Law

Received: 19/08/2021; Accepted: 13/04/2022

Erfan Babakhani¹
Hadi Rostami²

Abstract

Differentiating the prosecution and investigation of economic crimes with the aim of the criminal justice system efficiency and effective combat against the perpetrators of these crimes is a contemporary emerging approach, which has been gradually completed in the French legal system. The specialization of criminal justice has led the French legislature to specialize certain jurisdictions and judicial actors. "Contractualization" of criminal prosecution and development of public prosecutor's authority for implementation of penal transaction in order to gain the public interest is another strategy of French legislator. In contrast, the Iranian legislator, despite some efforts to identify economic crimes and their effects on the Islamic Penal Code (of 2013) and to shift the burden of proof regarding money laundering, in the field of due penal process, does not have a coherent and systematic position on differentiation. In addition, the regulations in this area are fragmented and inefficient. Sometimes in practice, the process is led to differentiation by judicial instructions, which is against the principle of legality of the criminal process.

Keywords: Economic Crime, Criminal Procedure, Prosecution, Differentiation, Specialization.



1 Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Member of the Research Academy of Law, Paris-Nanterre University.
2 Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University (Corresponding author); Email: h.rostami@basu.ac.ir.

رسیدگی افتراقی به جرایم اقتصادی در حقوق ایران و فرانسه

تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۵/۲۸ - تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۰۱/۲۴ عرفان باباخانی^۱

هادی رستمی^۲

چکیده

افتراقی شدن رسیدگی به جرایم اقتصادی با هدف کارآمدسازی نظام عدالت کیفری و مبارزه مؤثر با بزهکاران، رویکرد نسبتاً نوظهوری است که در نظام حقوقی فرانسه از سال‌های گذشته دنبال شده و به تدریج کامل‌تر می‌شود. در راستای افتراقی‌سازی، مراجع اختصاصی برای رسیدگی به جرایم اقتصادی و آموزش‌های تخصصی برای کنشگران قضایی مرتبط با این حوزه فراهم شده است. قراردادی شدن تعقیب کیفری و اعطای اختیارات زیاد به دادستان‌ها برای توافق کیفری به منظور حمایت از منافع عمومی، راهبرد دیگری است که در قوانین فرانسوی مقرر شده است. در مقابل، قانون‌گذار ایران با وجود برخی تلاش‌ها برای شناسایی جرایم اقتصادی و آثار آن در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) و نیز دگرگونی بار اثبات در جرم پولشویی، در بخش آیین دادرسی، جز اشاره به دادرسی ویژه جرایم اقتصادی، موضع منسجم و نظام‌مندی به افتراقی‌سازی ندارد و قوانین این حوزه، در مورد جایگزین‌های تعقیب عمومی نارسا است. گاه فرآیند دادرسی با دستورالعمل‌های قضایی و تعلیق تشریفات رسیدگی به سمت افتراقی شدن هدایت می‌شوند که خلاف اصل قانونی بودن آیین دادرسی کیفری است. این مقاله به روش توصیفی به دنبال مقایسه دو نظام حقوقی ایران و فرانسه و تمرکز بر آخرین تحولات قانونی آن‌ها در حوزه دادرسی افتراقی در جرم‌های اقتصادی است.

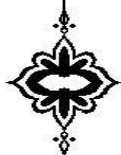
واژگان کلیدی: جرایم اقتصادی، رسیدگی کیفری، تعقیب، افتراقی کردن، تخصصی

شدن.

۱. دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی و عضو مرکز تحقیقات حقوقی دانشگاه پاریس نانتر.

۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی‌سینا همدان (نویسنده مسئول)؛ رایانامه:

h.rostami@basu.ac.ir





مقدمه

تجارت جهانی، مجالی برای بزهکاران ایجاد کرده که شناخت پدیده مجرم اقتصادی را پیچیده تر می‌سازد. این پیچیدگی، دشواری‌هایی را برای دولت‌ها در جهت اجرای مؤثر قواعد حقوق کیفری ایجاد نموده و سبب شده که جرایم اقتصادی/ مالی به طور معمول مخفی و حتی برای مقامات پلیسی و قضایی نامرئی باشد و همین، تحصیل دلیل و تعقیب و محاکمه را دشوار می‌نماید. شیوه ارتکاب و ویژگی مرتکبان این جرایم، باعث شده تا گفته شود که این جرایم به طور معمول از سوی طیفی از بزهکاران صورت می‌گیرد که امروزه از آن‌ها با عنوان بزهکاران «یقه سفید» یاد می‌شود (Reeves-Latour, 2016:124). پیچیدگی به گونه‌ای است که بسیاری از کشورها در خصوص تعریف روشن از فساد و جرایم اقتصادی ناتوان بوده و در قوانین کشور فرانسه و ایران نیز تنها به مصادیق اکتفا شده است. ماده (۳۶) قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) و تبصره آن بدون تعریف جرم اقتصادی، فهرستی از این جرایم مانند کلاهبرداری و جرایم مرتبط با حقوق مالی دولت را احصا می‌نماید. جرم اقتصادی در فرانسه می‌تواند «شامل» هرگونه تخلف مربوط به پول یا خدمات مالی یا بازار از جمله جرایمی چون کلاهبرداری و سوءاستفاده از اطلاعات مربوط به بازار مالی باشد. اصطلاح «شامل» به این معنی است که جرایم اقتصادی را می‌توان به صورت گسترده تفسیر کرد که طیف وسیعی از جرایم را در بر گیرد. این جرایم شامل کلاهبرداری، رشوه، فساد، تخلف در بازار بورس و سرمایه و پولشویی و ... می‌شوند. در واقع، با ارتکاب این نوع جرایم، مجموعه ساختارهای نظام اقتصادی مانند سیستم رقابت و توزیع محصولات و خدمات و حقوق مصرف‌کننده تهدید خواهد شد و بدین ترتیب، جرایم اقتصادی یکی از گونه‌های جرایم کسب و کار محسوب می‌شوند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷: ۴۵۶). اعمال متقلبانه که توسط بزهکاران این جرایم مورد استفاده قرار

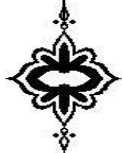




می‌گیرد به شکل ماهرانه‌ای در قلمرو یک کشور طراحی و به شکل فزاینده‌ای در خارج از کشورها (از جمله از طریق اینترنت) گسترش می‌یابند.

پیچیدگی کشف، نحوه ارتکاب جرم و شخصیت مرتکب همگی منجر به دشواری طولانی شدن رسیدگی به جرایم اقتصادی و مالی می‌شود. در موارد جرایم اقتصادی و شرکتی که واجد ویژگی «پیچیدگی بزرگ» و چند وجهی هستند، اثبات آن‌ها در دادگاه دشوارتر است. برای برخورد قضایی مناسب با این معضل، آیین دادرسی کیفری فرانسه یک رژیم افتراقی برای مبارزه با جرایم اقتصادی به منظور افزایش کارایی تحقیقات پیش‌بینی کرده که از رسیدگی معمول (عادی) متمایز است. افتراقی شدن با تقویت ابزارهای فنی و قانونی در اختیار مقامات قضایی با هدف شناسایی مؤثر جرایم اقتصادی همراه است که منجر به تسهیل کشف جرم، تعقیب و محاکمه مجرمان اقتصادی خواهند شد.^۱ در مقابل، آیین دادرسی کیفری ایران، به‌رغم برخی راهکارها در رابطه با جرایم اقتصادی، در مجموع رژیم افتراق گونه نداشته و رویکردهای افتراقی در عمل بر اساس بخشنامه‌های قضایی انجام شده است.

کانون توجه مقاله حاضر تکیه بر مباحث حقوق شکلی (فرآیند رسیدگی) است و مسائل مرتبط با حقوق ماهوی که در بسیاری از منابع و نوشته‌های مربوط به جرایم اقتصادی به آن پرداخته شده است، مورد نظر نویسندگان نیست. با این حال، پیرامون رسیدگی افتراقی جرایم اقتصادی در حقوق داخلی نوشته‌های قابل توجهی وجود دارد که برخی به توجیه ضرورت یا لزوم دادرسی افتراقی (آیت، پاکزاد، عالی‌پور و صابر، ۱۳۹۸ و پوراسد، ۱۳۹۹: ۱۲-۱۷) یا جلوه‌ها و نمودهای رسیدگی افتراقی به بزه اقتصادی در قانون (سلطانی فرد، مال‌میر و عالی‌پور، ۱۳۹۷: ۱۹۴-۱۵۹) پرداخته‌اند یا اینکه موضوع مشخصی مانند قاچاق کالا و ارز را مورد بحث قرار داده‌اند (امیرحاجلو و فتحی، ۱۳۹۷: ۳۹۹-۳۷۹). بعضاً نیز دادگاه‌های ویژه مبارزه با مفاسد اقتصادی را با تأکید بر اصل حتمیت اجرای مجازات‌ها در سطح کلی و بدون تمرکز بر نظام حقوقی کشور خاص بررسی تطبیقی کرده‌اند (نک: ۱)





قهربانی و سایبانی، ۱۳۹۸: ۲۲۰-۱۸۸). اغلب مقاله‌ها غیر از یک مورد (خدائیان چگنی، ۱۳۹۱: ۳۱-۵۸) فاقد رویکرد مقایسه‌ای با تحلیل محتوای مقررات نظام‌های حقوقی دو یا چند کشور مشخص می‌باشند. از این‌رو، مقاله حاضر با روش مزجی بر نکته‌هایی متمرکز می‌شود که صرفاً بازتاب دگرگونی‌ها و تحولات حقوق شکلی در قلمرو رسیدگی به جرم‌های اقتصادی در حقوق ایران و فرانسه است و همین، نوآوری مقاله حاضر است که در منابع موجود به آن‌ها توجه کافی نشده است. این مقاله بر آن است که سازوکارهای افتراقی و تخصصی‌سازی در نظام حقوقی ایران و فرانسه را در قبال مبارزه با جرایم اقتصادی شناسایی کند (۱)؛ سپس، ابزارهای کارآمدسازی نظام عدالت کیفری را از رهگذر تصمیمات و مکانسیم‌های تحقیقات-رسیدگی کیفری و تحولات کیفری هر دو رژیم حقوقی مطرح نماید (۲) و سرانجام، قراردادی شدن تعقیب کیفری در جرایم اقتصادی (۳) و کاربرد مثبت آن را در تأمین منافع عمومی ارزیابی نماید.

۱. جنبش تخصصی‌سازی

نخستین جلوه واکنش قانون‌گذار کشور فرانسه در قبال ارتکاب جرایم اقتصادی و مالی، مربوط به قانون ۶ اوت ۱۹۷۵ می‌باشد که دادگاه‌های تخصصی در حوزه جرایم اقتصادی / مالی را ایجاد و صلاحیت سرزمینی آن‌ها را توسعه داد (Statsiak, 2017: 20). جنبش تخصصی کردن با فراهم ساختن ابزارهای خاص با هدف تقویت کارآمدی اجرای مجازات‌ها به دنبال از بین بردن «پناهگاه‌های امن» فعالیت‌های مجرمانه اقتصادی است. با این حال، مبارزه با فساد به عنوان یک راهبرد افتراقی، شروع دیر هنگامی در سیاست جنایی ایران داشته و چنانکه خواهد آمد، بیشتر متأثر از دستورالعمل‌های قضایی است.

۱-۱. افتراقی کردن مراجع قضایی

یکی از جلوه‌های تخصصی‌سازی، افتراقی کردن مراجع قضایی و پیش‌بینی نهادهای ویژه و سیاست‌گذاری‌های متمایز با قواعد متعارف رسیدگی به جرایم است. بنابراین افتراقی‌سازی متضمن ایجاد سازوکارهای متمایز از دادرسی رسمی است که به اعتبار ویژگی‌های برخی مرتکبان یا نوع جرم ارتكابی یا ملاحظات مربوط به آماج جرم

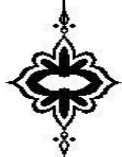




(بزه‌دیده) مقرر می‌شود و نظام دادرسی را در موارد خاص جزیره‌ای و متفاوت می‌نماید (نک: پاک نیت، ۱۳۹۶: ۲۴-۲۳). افتراقی کردن نظام دادرسی جرایم اقتصادی به دنبال روند فزاینده این جرایم و تهدیدهای ناشی از آن برای امنیت اقتصاد جهانی در پی کنوانسیون مریدا (کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد، مصوب اکتبر ۲۰۰۳) ضرورت یافت. دیباچه این کنوانسیون، مبارزه با فساد را وظیفه همه دولت‌ها و نیز سازمان‌ها و نهادهای جامعه مدنی می‌داند. از بُعد جرم‌شناسی نیز نظام دادرسی افتراقی، امکان مدیریت بزه‌کاران و پیشگیری از جرایم اقتصادی را کارآمدتر می‌سازد و کارایی دستگاه عدالت کیفری را افزایش می‌دهد.

حقوق فرانسه در رابطه با رژیم افتراقی‌سازی، مقررات متمایزی دارد. ایجاد صلاحیت تخصصی به منظور مبارزه مؤثر در قبال جرایم اقتصادی در نظام حقوقی فرانسه با تصویب قانون مذکور سال ۱۹۷۵ آغاز شد که در آن زمان بسیار نو جلوه می‌کرد (Marin, 2015:4). با این حال، در خصوص این قانون، دو نکته قابل تأمل بود: نخست، ساختار و طبقه‌بندی صلاحیت‌های از پیش تعیین شده را دگرگون نکرده و تنها صلاحیت رسیدگی به جرایم اقتصادی را از دادگاه‌های تجدیدنظر به یک یا چند دادگاه واگذار می‌نمود؛ دوم، قانون مذکور یک صلاحیت الزام‌آور در حوزه‌های صلاحیت اختصاصی ایجاد نمی‌کرد؛ زیرا صلاحیت این دادگاه‌ها در مقابل صلاحیت ذاتی دادگاه‌های صالح، صرفاً تکمیلی بود (Bonis-Garcon, 2014:1). اما در سال‌های اخیر پس از تحولات تقنینی که به صورت پیوسته در نظام حقوقی فرانسه صورت گرفت، نظام قضایی برای مبارزه با جرایم اقتصادی سازوکارهای قانونی و نهادهایی در اختیار گرفت که توانست تا حدودی عملکرد مقابله با جرایم اقتصادی را سامان بخشد.

افتراقی‌سازی رسیدگی به جرایم اقتصادی در حقوق ایران، بیش از آنکه سازوکار قانونی داشته باشد، متأثر از بخشنامه‌گرایی و تصمیم‌هایی آنی است که نمونه برجسته آن «دادگاه‌های ویژه رسیدگی به اخلال‌گران نظام اقتصادی و ارزی» می‌باشد. با توجه شرایط بحرانی بازار در سال‌های اخیر و سوءاستفاده برخی اشخاص از ارزش‌های دریافتی، رئیس قوه قضاییه در راستای برخورد قاطع و سریع با مفسدان اقتصادی در چارچوب قانون اخلال‌گران





در نظام اقتصادی، از مقام رهبری تقاضای تشکیل دادگاهی ویژه با اختیارات گسترده می‌نماید که در تاریخ ۱۳۹۷/۵/۲۰ با تأسیس آن موافقت می‌شود. این دستور که بعد از انقضا مهلت دو ساله، تا شهریور سال ۱۴۰۰ تمدید شده است، مقررات ویژه‌ای مانند غیرقابل اعتراض بودن قرار بازداشت موقت، ممنوعیت تعلیق و تخفیف مجازات، علنی بودن رسیدگی به تشخیص رئیس دادگاه، قطعی بودن رأی دادگاه جز در مورد اعدام که در مهلت ده روز قابل اعتراض است، در پی دارد. ماهیت دادگاه‌های ویژه همان دادگاه انقلاب است که روال معمول رسیدگی را ندارد.

بخشنامه‌ای کردن نظام رسیدگی به جرایم اقتصادی و عدول از اصل قانونی بودن فرآیند کیفری که در ماده (۲) قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) به عنوان یک اصل راهبردی به آن تصریح شده است، از چالش‌های این نوع رسیدگی می‌باشد. تشکیل دادگاه با بخشنامه و مقررات‌گذاری بخشنامه‌ای از رهگذر استیذان از مقام رهبری، مخالف اصول قانون اساسی به ویژه اصول (۶۱) و (۱۵۹) قانون اساسی نیز می‌باشد و اطلاق اختیارات ولی فقیه و ولایت مطلقه بر قوای سه‌گانه (اصل ۵۷ قانون اساسی)، توجیه‌کننده این نوع دادگاه‌ها که قواعد آیین دادرسی کیفری و تشریفات را آشکارا نادیده می‌گیرند، نخواهد بود. به موجب نص صریح اصل (۱۵۹) قانون اساسی، «تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آن‌ها منوط به حکم قانون است» و منظور از این اصل، همان قوانین عادی است که با عنوان آیین دادرسی کیفری به تصویب نهاد قانون‌گذاری رسیده‌اند. تشریفات، نشانگر قانونمندی و اصل بنیادی حاکمیت قانون است و در پرتو این اصل، حق دادخواهی شهروندان و رسیدگی منصفانه معنا می‌دهد.

بی‌گمان، قانون‌مداری یا حاکمیت قانون، افزون بر جرم‌انگاری و کیفرگذاری، فرآیند دادرسی کیفری را نیز در برمی‌گیرد و پایه و اساس نظام حقوقی و مشروعیت بخش آن است. حکومت بخشنامه‌ها، به اصل تفکیک قوا در قانون اساسی لطمه می‌زنند و نظام قضایی را به سمت اداری‌سازی سوق داده و به تدریج آن را به یک نظام سلسله‌مراتبی و اطاعت‌پذیر تبدیل می‌نماید. (نک: رستمی، ۱۴۰۰: ۳۰۵-۳۰۳). مشکل اساسی این دادگاه‌ها، نقض حقوق متهمان و فقدان سازوکارهای دادرسی منصفانه در آن‌ها است.



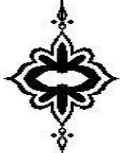


بدیهی‌ترین حق متهم که آزادی در انتخاب وکیل و اعتراض به دادنامه است، در این دادگاه‌ها نادیده گرفته شده و غیر از اعدام هیچ یک از آراء قابل اعتراض نیست. بی‌گمان، کاربست نوع سیاست‌گذاری‌های مقطعی و اضطراری و مبتنی بر بحران‌های اقتصادی تأثیر موقتی و مسکن‌گونه دارد و نمی‌تواند مسأله فساد را ریشه کن نماید.

همچنین، بر اساس تبصره (۶) ماده (۲) قانون اخلاص‌گران در نظام اقتصادی، رسیدگی به جرایم موضوع این قانون باید در دادگاه انقلاب انجام گیرد. علاوه بر این موارد، که ابعاد امنیتی جرایم اقتصادی را پوشش می‌دهند، به موجب ماده (۱۱) قانون مبارزه با پولشویی (۱۳۹۷)، رسیدگی به جرایم پولشویی و جرایم مرتبط با آن (مانند دارا شدن ناروا) در شعب تخصصی دادگاه‌های کیفری خواهد بود که به نظر نوعی رسیدگی افتراقی محسوب می‌گردد. در سایر موارد، جرایم اقتصادی، حسب مورد در دادگاه‌های کیفری یک یا دو رسیدگی می‌شوند.

۱-۱-۱. دادستان امور مالی

در فرانسه تحولات مربوط به تخصصی‌سازی در چارچوب اصلاحات پیوسته تقنینی ادامه یافت. با توجه به نگرانی بهبود کارآمدی سازوکارهای مبارزه با این نوع جرایم، قانونگذار فرانسوی به ساده‌سازی و تقویت اقدامات قضایی با تصویب قانون ۶ دسامبر ۲۰۱۳ اقدام نمود که از یک سو به مبارزه با فرار مالیاتی و بزهکاری سنگین اقتصادی پرداخته و از سوی دیگر، «دادستان امور مالی» را پایه‌گذاری نمود. این دادستان جدید مجهز به ابزارهای تعقیبی برای برخورد مؤثر با جرایم در صلاحیت است. بنابراین، او مولفه «امنیتی» هوش اقتصاد عمومی را تقویت می‌کند. قوانین ۶ دسامبر ۲۰۱۳ به بررسی قوانین تقسیم صلاحیت‌ها بین حوزه‌های قضایی حقوق عمومی و دادگاه‌های اختصاصی در امور اقتصادی و مالی نیز می‌پردازد. بنابراین، نخستین هدف از تشکیل دادسرای مالی در فرانسه، اجرای یک سیاست کیفری ملی هماهنگ و شفاف و مرتبط در حوزه جرایم اقتصادی است. هدف بعدی، تقویت و گسترش همکاری قضایی بین‌المللی است که این دادسرا در مواردی که مجرم یا شریک وی در خارج زندگی می‌کند وارد عمل شده و به معاضدت قضایی بین‌المللی می‌پردازد (Houlette, 2017: 71).

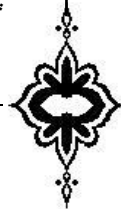




شروع اقدامات عمومی علیه مجرمین جرایم اقتصادی و مالی و پیگرد قانونی آن‌ها در دادگاه کیفری وظیفه دادستان تخصصی امور مالی^۱ است. بعد از مصوبه قانونی سال ۲۰۱۳، چندین حوزه قضایی در امور اقتصادی و مالی صالح به رسیدگی هستند. حوزه‌های قضایی حقوق عمومی هنوز هم نقش آفرینی خود را دارند، اما اغلب با دادسرای پاریس (دادسرای امور مالی) که یک صلاحیت قضایی حقوق عمومی و با اختیارات ویژه است، یا حوزه‌های قضایی بین‌منطقه‌ای تخصصی در حال رقابت با یکدیگرند (Blanchot, 2018: 5-6). همچنین، در دادگاه‌های باستیا و نانتر دو مرکز قضایی، اقتصادی و مالی وجود دارد که جنبه محلی دارند.

دادستان امور مالی که در پاریس واقع شده است، صلاحیت ملی را برای تعقیب قانونی در مورد کلیه تخلفات اقتصادی و مالی ارتكابی را دارد. در جرایم معاملات داخلی^۲ و جرم دست‌کاری قیمت^۳ این صلاحیت قطعی است؛ به این معنی که دادستان امور مالی و همچنین، دادسرای پاریس برای تعقیب، تحقیق، رسیدگی و محاکمه این جرایم تنها مرجع صالح هستند (Vergès, 2014:145). در مورد جرایم مالی کوچک، دادستان مذکور فقط در صورتی که مقامات صالح مالیاتی، شکایتی از قبل ارائه دهند، می‌تواند آنها را تحت پیگرد قانونی قرار دهد.^۴ سرانجام، برای سایر جرایم دیگر در امور اقتصادی و مالی صلاحیت دادستان امور مالی فرانسه با سایر حوزه‌های قضایی متقارن (هم‌عرض) است. به عنوان مثال، موارد مربوط به جرایم تأثیر/نفوذ غیرقانونی در صدور آراء و کلاهبرداری مالیاتی (مالیات بر ارزش افزوده) چنانچه بسیار پیچیده باشند؛ همچنین جرایم فساد یا تأثیر نفوذ بر یک مقام عمومی یک کشور خارجی یا یک سازمان بین‌المللی، اجتناب متقابلانه بر ثبت یا پرداخت مالیات و نیز پولشویی در صلاحیت رسیدگی دادستان امور مالی (دادسرای پاریس) است.^۵

1. Procureur de la République financier.
2. Le délit d'initié.
3. La manipulation des cours.
4. Article L. 228 du Code de procédure pénale français.
5. Les articles L. 465-1 à L. 465-3-3 du code monétaire et financier.

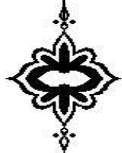




دادستان صالح به تعقیب جرایم اقتصادی در حقوق ایران، همان دادستان عمومی و انقلاب است. البته، در مواردی که موضوع، تخلف اقتصادی (نه جرم) محسوب شود، دادستان دیوان محاسبات نقش نوعی دادستان امور مالی را ایفا می‌کند و در معیت شعب دیوان محاسبات که اختیار صدور حکم دارند، تعقیب تخلفات مالی و اقتصادی را برعهده می‌گیرد. مطابق ماده (۲۱) قانون دیوان محاسبات (۱۳۶۱): «دادستان دیوان محاسبات کشور در حدود قوانین و مقررات مالی در حفظ حقوق بیت‌المال اقدام می‌نماید و در انجام وظایف خود می‌تواند به هر یک از دستگاه‌ها شخصاً مراجعه و یا این مأموریت را به یکی از دادیاران محول نماید.» نهاد دیوان و دادسرای آن زیر نظر مجلس است؛ از این رو، جهت گیری‌های سیاسی و تغییر ترکیب سیاسی مجلس می‌تواند بر نقش این نهاد در مبارزه با فساد اثرگذار باشد (نک: فلاح‌زاده و کامرانی، ۱۳۹۸: ۲۰۴-۱۸۸) و حسابرسی آن را در هزینه کرد بودجه تحت الشعاع قرار دهد؛ این مشکل، به‌ویژه در مواردی که میان دولت و مجلس به لحاظ سیاسی هماهنگی وجود ندارد، در فضای عمومی کشور نمایان است. افزون بر این، دادستان مالیاتی که وظیفه اقامه دعوا علیه مؤدیان و مأموران مالیاتی را بر عهده دارد (بندت ماده ۲۶۴ قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی ۱۳۹۴)، نیز نوعی دادستان مالی است که در معیت مراجع حل اختلاف مالیاتی انجام وظیفه می‌کند. مطابق تبصره (۲) ماده (۲۷۴) قانون مذکور، اعلام جرایم مالیاتی و اقامه دعوا علیه مرتکبان جرایم مزبور نزد مراجع قضایی از طریق دادستان انتظامی مالیاتی و سایر مراجع قانونی صورت می‌گیرد.

۲-۱-۱. حوزه‌های قضایی ویژه

قوانین کیفری فرانسه در کنار دادستان امور مالی، حوزه‌های قضایی ویژه بین منطقه‌ای را پیش‌بینی کرده‌اند. این حوزه‌های قضایی توسط قانون ۹ مارس ۲۰۰۴ ایجاد و جایگزین اولین دادگاه‌های تخصصی ایجاد شده توسط قانون ۱۹۷۵ شدند. شمار این حوزه‌ها در فرانسه هشت دادگاه است که در شهرهای بوردو، فورت دو فرانس، لیل، لیون، مارس، نانس، پاریس و رن مستقرند (Pradel, Dallest, 2012: 187). این مراجع صلاحیت رسیدگی به بیشتر جرایم اقتصادی و مالی را دارند، مشروط به اینکه از «پیچیدگی بزرگ» به ویژه به دلیل تعداد زیاد مرتکبان، همدستان یا بزه‌دیدگان یا حوزه قضایی جغرافیایی که





در آن جرم ارتکاب می‌یابد، برخوردار باشند.^۱ شماری از متهمان تحت پیگرد این دادگاه‌ها سعی بر دور زدن و بازپس‌گیری پرونده‌ها از این حوزه‌ها را دارند؛ با این استدلال که پرونده موردنظر «بسیار پیچیده» نبوده است (Quéméner, 2014: 29). با این حال، این استدلال محکوم به شکست است، زیرا در مورد نگرانی عمل‌گرایانه به روندهای دادرسی امن، دیوان کشور فرانسه (عالی‌ترین دادگاه) در یک رأی حکم داد که طرفین نمی‌توانند ویژگی «پیچیدگی بزرگ» را در مقابل دادگاه اعتراض کنند.^۲ در حقیقت، ارزیابی این شرط تنها در صلاحیت مرجع قضایی است و نمی‌تواند توسط طرفین مورد اعتراض قرار گیرد. صلاحیت این حوزه‌های قضایی ویژه بین‌منطقه‌ای به چندین دادگاه تجدیدنظر گسترش می‌یابد.

سیاست جنایی شکلی ایران در قبال جرایم اقتصادی، نسبت به افتراقی‌سازی و تشکیل مراجع تخصصی نارسا است. ماده (۲۵) ق.آ.د.ک، به دادرسی ویژه جرایم اقتصادی اشاره می‌کند که می‌تواند زیرنظر دادرسی شهرستان تشکیل شود. تشکیل این دادرسی، که یک دادرسی تخصصی و نه اختصاصی است، اختیاری بوده و منوط به تشخیص رئیس قوه قضائیه می‌باشد. به دلیل پیچیدگی‌های جرایم اقتصادی، تشکیل دادرسی و حتی دادگاه ویژه جرایم اقتصادی به همراه قاضی متخصص ضروری است.

البته، دادگاه‌های ویژه جرایم اقتصادی (معروف به مفاسد اقتصادی) به لحاظ عملی، از نیمه دوم دهه هشتاد با تصویب «دستورالعمل تشکیل مجتمع قضایی امور اقتصادی» در دهم مرداد ۱۳۸۵، در ساختار نظام عدالت کیفری ایران شکل گرفتند که هدف از تشکیل آن‌ها: «حمایت از سرمایه‌گذاری سالم، پیشگیری از بروز فساد، تعقیب، تحقیق، رسیدگی، صدور حکم و اجرای احکام در جرایم اقتصادی» بود. این دادگاه‌ها که متأثر از دغدغه‌ها و نگرانی‌های سیاست‌گذاران نظام برپا شدند، زمینه افتراقی‌سازی دادرسی جرایم اقتصادی را رقم زدند. صدور این نوع دستورالعمل‌ها در سال‌های بعدی نیز دنبال شد که آخرین نمونه آن «دستورالعمل تشکیل مجتمع تخصصی ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی تهران» است

1 Article 704 du Code de procédure pénale français.

2 Cour de cassation, criminelle, 26 June 2001, No. 00-86.526.

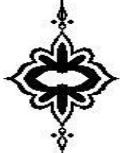




که مشتمل بر (۲۸) ماده و (۱۲) تبصره در تاریخ ۱۳۹۹/۶/۱۸ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده که همان اهداف «پیشگیری از وقوع مفاسد و جرایم اقتصادی، حمایت از سرمایه گذاری سالم ... تسریع در تعقیب، تحقیق، رسیدگی، صدور حکم و اجرای احکام و اجرای قانون» را پوشش می دهد.

بدین ترتیب، دادگاه های کیفری اقتصادی در حقوق ایران هیچ گاه لباس قانون به تن نداشتند و در پرتو دستورالعمل ها، بخشنامه ها و آیین نامه های مقامات قضایی تأسیس شدند و در غیاب سیاست جنایی تقنینی، سیاست گذاری های قضایی، صلاحیت و حوزه اقدام این دادگاه ها و جهت گیری آن ها را شکل دادند.

در مواردی نیز رسیدگی به جرم اقتصادی در صلاحیت نهادهای قضائیتی (خارج از چارچوب دادگستری) انجام می شود که مصداق بارز آن سازمان تعزیرات حکومتی است. به موجب ماده (۴۴) قانون قاچاق کالا و ارز (۱۳۹۲)، در پرونده های قاچاق کالا و ارز که واجد عنوان تخلف باشند (غیر از قاچاق کالاهای سازمان یافته، حرفه ای، ممنوع و قاچاق مستلزم حبس یا انفصال که در صلاحیت دادگاه انقلاب است)، سازمان تعزیرات حکومتی صلاحیت رسیدگی دارد. در برخی موارد نیز موضوع در صلاحیت هیأت های مربوط به نظام صنفی است که ماده (۷۲) قانون نظام صنفی (۱۳۸۲) بر اساس طرح شکایت از سوی خریداران و مصرف کنندگان کالاها اعمال صلاحیت می کنند. همچنین، قانون گذار در قانون مالیات های مستقیم (اصلاحی ۱۳۹۴) با پیش بینی مراجع تخصصی رسیدگی مراجع حل اختلاف بدوی و تجدیدنظر، شورای عالی مالیاتی، هیأت های عالی انتظامی مالیاتی و سرانجام دادستان انتظامی مالیاتی، نوعی آیین دادرسی افتراقی برای جرایم و تخلفات مالیاتی مقرر نموده که در نوع خود قابل توجه است. این نوع پراکندگی و موازی کاری در عمل می تواند کارایی مبارزه با جرایم اقتصادی را به چالش بکشد.





۱-۲. آموزش کنش گران پلیسی و قضایی

تخصصی کردن مرجع قضایی بدون وجود قضات متخصص در حوزه اقتصاد چندان تأثیرگذار نبوده و آموزش‌های ویژه، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در نظام حقوقی فرانسه، از یک سو، قضات متخصص در مراجع قضایی اختصاصی مستقر شده و به طور مستمر، از پشتیبانی فنی دستیاران خاص بهره‌مند می‌شوند. از سوی دیگر، دانشکده ملی قضایی دوره‌های آموزشی ویژه‌ای را برای قضات در قالب کارآموزی در حوزه‌های قضایی تخصصی بین‌منطقه‌ای یا تعمیق دانش در حقوق کیفری اقتصادی و مالی برپا می‌کند. بنابراین، ارزیابی مهارت‌های قضاوتی که باید در امور اقتصادی و مالی رویه‌های کیفری اعمال کنند، بسته به آموزش و تجربه هر یک، غالباً عملی است.

بعد از تخصصی‌سازی مراجع رسیدگی، ایده‌ای که پذیرش اصلاحات بعدی را در قلمرو جرایم اقتصادی تحت‌الشعاع قرار داد، مربوط به تخصصی کردن کنش گران صالح برای رسیدگی و مجازات جرایم اقتصادی/مالی می‌باشد (Catelan, 2014: 395). آموزش‌های تخصصی به قضات به آن‌ها اجازه می‌دهد که شناخت بهتری نسبت به متون جزایی قابل اجرا و همچنین تکنیک‌های متقلبانۀ مرتکبین داشته باشند. از این رو، برخی نواقص در رویه قابل تأمل است. تخصصی شدن با تقویت ابزارهای تکنیکی و قضایی همراه شده که در اختیار مقامات تحقیق با هدف شناسایی، تعقیب و مجازات مؤثر این جرایم قرار گرفته است.

بهبود رسیدگی به پرونده‌های با پیچیدگی زیاد در امور اقتصادی/مالی از طریق تهیه منابع و اقدامات جدید از جمله منابع انسانی پیش رفته است. در پاسخ به تقاضای قدیمی و مکرر برای رویه قضایی، قانون ۲ ژوئیه ۱۹۹۸ سمت «دستیار تخصصی» را ایجاد کرد که وظیفه آن کمک به قضات تخصصی است.^۱ این دستیاران به طور معمول اشخاصی هستند که در حوزه‌های خاصی مانند قوانین پولی یا مالی یا مالیاتی تخصص ویژه دارند. آن‌ها دسترسی کامل به پرونده دارند و می‌توانند در بازجویی‌ها، جلسات دادرسی و فرآیند



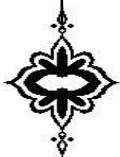
1 Article 706 du Code de procédure pénale français.



تحقیقات شرکت کنند. این دستیاران، به‌رغم خدمات مفید به مقامات قضایی، قدرت قضایی ندارند. با توجه به پیچیدگی پرونده‌ها به‌ویژه ازدحام قابل توجه شعبه‌های بازپرسی، استفاده از خدمات دستیاران تخصصی اجتناب‌ناپذیر است.

افزون بر این‌ها، نقش یگان مبارزه با جرایم اقتصادی به عنوان یک واحد توانمند و متخصص در ساختار قضایی پلیس فرانسه قابل توجه است که برخلاف قوانین ایران، صلاحیت آن محدود به حوزه قضایی نیست. اهمیت یگان مزبور در سهولت و سرعت تحقیقات مربوط به جرایم اقتصادی غیرقابل انکار است (نک: خدائیان چگنی، ۱۳۹۰: ۱۳ و نجفی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۱۱ و بعد).

آموزش‌های ویژه و تربیت قضات متخصص در حوزه جرایم اقتصادی در حقوق ایران، به عنوان یک راهبرد موردنظر نبوده و قضات غیر از آموزش‌های دانشگاهی و ضمن خدمت، مهارت دیگری در رابطه با بزهکاری اقتصادی دریافت نمی‌کنند. قانون‌گذار ایرانی جز در موارد خاصی مانند قضات دادگاه و دادرهای اطفال (ماده ۴۰۹ ق.آ.د.ک) و نیز قضات مرتبط با دادرسی الکترونیکی (ماده ۶۶۲ ق.آ.د.ک) بر آموزش‌های تخصصی تصریح نمی‌کند. استفاده از قضات ناآشنا یا کم‌اطلاع در حوزه اقتصاد، بورس و نظام مبادلات ارزی، نداشتن مراجع اختصاصی با صلاحیت ذاتی در کنار فقدان کُدگذاری برای شناخت جرایم اقتصادی، از آفت‌های نظام دادرسی ایران است. بی‌اعتنایی به یافته‌های علمی برای بازگرداندن نظم به جامعه و اقتناع افکار عمومی که در اثر افشای این جرایم، برانگیخته شده است، در کنار واکنش‌های افراطی نسبت به متهمان از ایرادهای اصلی دادرسی جرایم اقتصادی است (نک: حسینی و اسمعیل‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۱۱ و بعد) که نوعی عوام‌گرایی کیفری را بازتاب می‌دهد. آنچه که در همه دستوالعمل‌های قضایی، حتی «آیین‌نامه دادگاه‌های ویژه رسیدگی به اخلال‌گران نظام اقتصادی و ارزی مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۳» مغفول مانده است، ضرورت تخصص قضات این دادگاه‌ها و آموزش‌های ویژه در حوزه جرم‌های اقتصادی است که همین موضوع، نقطه ضعف این دادگاه‌ها محسوب می‌شود. هرچند در آیین‌نامه مذکور به تجربه قضات (۲۰ سال) تصریح شده بود، اما تجربه بدون داشتن تخصص، کارآمدی دادگاه‌ها را تضعیف می‌کند.





در سطح ضابطان نیز به‌رغم آنکه در طرح «تشکیل سازمان مبارزه با مفاسد اقتصادی» که در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲ به مجلس تقدیم گردید، «پلیس ویژه اقتصادی» پیش‌بینی شده بود، اما مورد توجه واقع نشد و اینک ضابط ویژه و آموزش‌دیده در جرایم اقتصادی وجود نداشته و گزارش این جرایم از طریق ضابطان عام و بعضاً ضابطان خاص مانند مأموران وزارت اطلاعات یا مأموران سازمان اطلاعات سپاه (بند (ب) ماده ۲۰۵ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹ و تبصره (۳) ماده (۷) مکرر قانون مبارزه با پولشویی اصلاحی ۱۳۹۷) انجام می‌گیرد. استفاده از مأموران اطلاعاتی دستگاه‌های مختلف به عنوان ضابط، هرچند نشان از غلبه رویکرد امنیت‌گرا به مقوله اقتصاد در حقوق ایران دارد، اما به جهت تداخل وظایف و موازی‌کاری و فقدان آموزش‌های تخصصی، به نظر در عمل راهگشا نیست.

۲. کارآمدسازی نظام عدالت کیفری

سیستم‌های حقوقی ایران و فرانسه، در زمینه مبارزه با بزهکاران اقتصادی از آسیب‌های زیادی برخوردارند که واکنش کیفری کارآمد در قبال آن‌ها را دشوار می‌نماید. شناخت آسیب‌ها بخشی از رهیافت مبارزه با جرایم اقتصادی و تدوین یک سیاست جنایی کارآمد است. جرایم اقتصادی، در زمره جرایم نرم دسته‌بندی شده و دوری از خشونت از ویژگی‌های آن‌ها محسوب می‌شود. سطح رؤیت‌پذیری این جرایم بسیار پایین بوده و از آنجایی که خشونت در ارتکاب آن‌ها دیده نمی‌شود، تعقیب جرم دشوار خواهد بود. این نوع بزهکاران با توجه به هوش بالایی که دارند، می‌توانند به سادگی افکار عمومی را فریب داده و با خود همراه نمایند. برخی بزهکاران نیز به دلیل عدم اثبات جرم و فقدان ادله از محکومیت فرار می‌کنند.

افزون بر این‌ها، بسیاری از تعقیب‌ها در فرانسه نه توسط دادستان بلکه توسط انجمن‌های ضد فساد آغاز می‌شوند. در واقع، ماده (۲-۲۳) قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، این امکان را برای این انجمن‌ها به مدت حداقل پنج سال برای تبدیل شدن به یک شخص ثالث فراهم می‌کند که به این ترتیب اقدام به شروع به تعقیب عمومی خواهند کرد. بار دیگر، این وضعیت این عقیده را تقویت می‌کند که مقامات دولتی در مقابله با جرم‌های اقتصادی و





مالی به اندازه کافی نقش آفرین نبوده و اشخاص ثالث موجب تعقیب و محاکمه این جرایم می شوند.

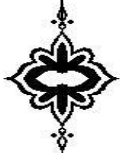
سیاست جنایی ایران نیز در مجموع به دلیل روند فزاینده ارتکاب این جرایم و فقدان شفافیت در ساختار اقتصادی^۱ و نیز نبود سازوکارهای حمایت کیفری از مخبران و اعلام کنندگان جرایم اقتصادی نارسا و ناکارآمد به نظر می رسد. این احساس، به ویژه در مورد جرایم شرکت ها و کنش گران نهادهای عمومی به دلیل ماهیت پنهان و پیچیده آنها دوچندان است. وجود این خلاءها، در کنار موقعیت مرتکبین جرایم اقتصادی که به اعتبار وابستگی های سیاسی سد راه تحقیقات می شوند و ادله را به سادگی از میان بر می دارند، کارآمدی را به چالش می کشد. وانگهی، پراکندگی قوانین، آسیب های زیادی را در طرح هر نوع راهبرد مؤثر در برخورد با بزهکاران بر جای می گذارد.

مبارزه کارآمد با بزهکاران اقتصادی، افزون بر تقویت راهکارهای نظارتی غیر کیفری و حمایت از جامعه مدنی در مقابل افشای فساد، مستلزم کارآمدسازی نظام عدالت کیفری از رهگذر گسترش ابزارهای تحقیقاتی و تعدیل بار اثبات جرایم مرتبط با این حوزه است.

۱-۲. گسترش ابزارهای تحقیقات قضایی

قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه یک فصل کامل را به اختیارات گسترده تحقیقاتی که به مأموران پلیس و دادرسان در امور اقتصادی و مالی اعطا شده، اختصاص داده است. این روش های تحقیقاتی از سازوکارهایی است که در جرایم سازمان یافته مورد استفاده قرار می گیرند. گسترش تحقیقات به این دلیل توجیه شده که بزهکاری های اقتصادی در سال های اخیر به طور قابل توجهی سازمان یافته، پیچیده و بین المللی بوده اند.

به طور کلی، قدرت های تحقیقاتی که در امور جرایم اقتصادی و مالی به بازپرس ها اعطا شده، گسترده هستند، زیرا از آنها در مبارزه با جرم سازمان یافته نیز استفاده می شود. به



۱. البته، قانون گذار ایرانی در سال های اخیر در قوانین خاص مانند قانون مبارزه با پولشویی (۱۳۹۷) و قانون تأمین مالی تروریسم (۱۳۹۴)، از طریق رهگیری اموال و گزارش درآمدهای مشکوک و فاقد منشأ به سمت شفافیت گام برداشته است. در این مورد، نک (جعفری، ۱۳۹۹: ۱۴۶ و بعد).



این ترتیب، مقامات تحقیق می‌توانند نظارت فیزیکی را که می‌تواند در سراسر کشور انجام شود، به کار بگیرند و همین‌طور عملیات نفوذ را ترتیب دهند (به عنوان مثال در شبکه‌های مجرمانه). نفوذ عبارت است از نظارت افرادی که مظنون به ارتکاب جرم می‌باشند، با قرار دادن شخصی به عنوان یکی از همدستان، معاونین یا تعقیب‌کننده آنها (Parisien, 2018: 454) و سپس، این بازرسان مجاز به ضبط تلفن/صدا یا جمع‌آوری تصاویر از مکان‌ها یا وسایل نقلیه خاص و همچنین، جمع‌آوری داده‌های رایانه‌ای خواهند بود (Potaszkin, 2014: 181).^۱ این اختیارات به ویژه برای جرایم مربوط به پولشویی یا فرار مالیاتی فراهم شده که ممکن است اثبات آنها با روش‌های سنتی دشوارتر باشد. علاوه بر این، در طی تحقیقات قضایی، قاضی آزادی و بازداشت می‌تواند به منظور تضمین پرداخت جریمه‌های وارد شده و همچنین، در صورت لزوم، جبران خسارت بزه‌دیدگان، اقدامات اجباری لازم را در مورد اموال منقول یا غیرمنقول، تقسیم یا تقسیم نشده از شخص متهم اعمال کند.

قانون ۶ دسامبر ۲۰۱۳ در مورد مبارزه با فرار مالیاتی و جرایم سنگین اقتصادی و مالی و نیز برای اجرای مؤثر قانون و مجازات، امکان تمدید قرار بازداشت پلیسی (تحت نظر) را برای این دسته از جرایم فراهم کرده که برای جرایم سازمان‌یافته نیز به همان شکل و میزان است، یعنی حداکثر ۹۶ ساعت (Parisien, 2018: 506). تحت نظر در این جرایم ممکن است تا دو بار اضافی دیگر هر کدام ۲۴ ساعت تمدید شود یعنی مدت بازداشت توسط قاضی آزادی و بازداشت یا بازپرس به ۷۲ یا ۹۶ ساعت افزایش یابد (Tessier, 2014: 93-94). همچنین با تعویق احتمالی مداخله وکیل برای حداکثر ۴۸ ساعت در صورت شرایط خاص که قاضی مذکور این امر را توجیه کند، می‌تواند همراه باشد. با این حال، شورای قانون اساسی فرانسه این مقرر را خلاف قانون اساسی دانسته است. این شورا به طور مؤثر رأی داده که برخی از جرایم از قبیل فساد، امر نفوذ و همچنین فرار مالیاتی و گمرکی



۱. در ایران، ضابطان و قضات در عمل برای کشف جرایم اقتصادی گاه به دام‌گستری متوسل می‌شوند. فقدان مقرر قانونی در رابطه با منع دادگستری سبب می‌شود که بکارگیری این روش‌ها، از باب اضطرار یا اجرای قانون مهم (بند (ب) ماده (۱۵۸) ق.م.ا) توجیه گردد.



جرایمی هستند که به خودی خود قادر به نقض و صدمه به امنیت، کرامت و زندگی اشخاص نیستند. بنابراین، معتقد است که استفاده از تمدید بازداشت موقت پلیسی با این شرایط ویژه، مداخله نامتناسب و نقض حقوق اساسی افراد است.^۱

بدین ترتیب، قانونگذار این امکان را دارد که اختیارات تحقیقاتی را مشروط به اینکه نقض حقوق اساسی مظنونین نباشد، به بازپرس‌ها واگذار کند. در تمام موارد، تصمیم قضایی به صورت مکتوب و توجیه شده، بازه زمانی مداخله وکیل را تعیین می‌کند. در نهایت، بر اساس تصمیم دیوان عالی، تعویق مداخله وکیل با تعیین توجیه در حقوق فرانسه نقض ماده (۶) کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی راجع به دادرسی عادلانه نمی‌باشد.^۲ قلمرو رسیدگی ویژه برای جرایم سازمان‌یافته به حوزه جستجو و توقیف نیز کشیده می‌شود. جستجو یک عمل تحقیقاتی است که به تفتیش مکان معین برای جمع‌آوری ادله ارتکاب جرم می‌پردازد. بنابراین، جستجوها می‌توانند در خارج از ساعت‌های موضوع ماده (۵۹) قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه انجام شوند که آن را از ساعت ۶ تا ۲۱ محدود می‌نماید.^۳

نظام دادرسی ایران نیز در این موارد تمهیدات خاص خود را دارد. به موجب تبصره ماده (۴۸) ق.آ.د.ک، در جرم‌های سازمان‌یافته، وکیل طرفین دعوا باید از میان وکلای مورد تأیید رئیس قوه قضاییه گزینش شود که نوعی تحدید حقوق متهم و مغایر با دادرسی منصفانه است. در عمل متهمان از انتخاب وکیل از میان فهرست موردنظر امتناع می‌ورزند و بعضاً وکلای دادگستری نیز از قرار گرفتن در آن اکراه دارند. افزون بر این، مطابق بند (ت) ماده (۱۸۰) ق.آ.د.ک، در جرایم سازمان‌یافته، بازپرس می‌تواند بدون ارسال احضاریه، بدو دستور جلب متهم را صادر نماید.

از جهت اعلام جرم، قوانین تا حدودی کامل هستند. ماده (۱۳) قانون ارتقا سلامت اداری و مقابله با فساد (۱۳۹۱)، اعلام جرم اقتصادی را برای مسؤولان دستگاه‌های مشمول،

1. Conseil constitutionnel, 4 décembre 2013, n° 2013-679 DC.

2. Cour de cassation, criminelle, 18 février 2015, 14-82.019, Publié au bulletin crim. No 30.

3. Article 706-89 du Code de procédure pénale français.





الزامی نموده و ضمانت اجرای تخلف از آن را به ماده (۶۰۶) قانون تعزیرات (۱۳۷۵) ارجاع داده است. فراز اخیر تبصره (۲) ماده (۲) قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور (۱۳۶۹) نیز، سکوت مدیران و بازرسان مطلع از جرم اقتصادی را معاونت در جرم، محسوب کرده است. در همین راستا، بند (پ) ماده (۷) قانون مبارزه با پولشویی، اشخاص، نهادها و دستگاه‌های مشمول این قانون را مکلف به ارائه گزارش معاملات یا عملیات یا شروع به عملیات بیش از میزان مصوب شورا یا معاملات و عملیات مشکوک بانکی، ثبتی، سرمایه‌گذاری، صرافی، کارگزاری و مانند آنها به مرکز اطلاعات مالی می‌نماید. همچنین، مطابق ماده (۵) قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزراء و کارمندان دولت... (۱۳۳۷)، مشمولین این قانون، باید به کلیه پرسش‌های مربوط به تغییرات حاصله در صورت دارایی جواب صریح دهند. در صورتی که افزایش دارایی از طریق غیرقانونی تحصیل شده باشد، مرتکب به انفصال دائم و محرومیت از خدمت دولت و ضبط مال محکوم خواهد شد.

وزارت امور اقتصادی و دارایی ایران، در تازه‌ترین اقدامات، سامانه‌ای برای دریافت گزارش‌های مردمی مبارزه با فساد راه‌اندازی کرده تا از «سوت‌زن»ها و مخبران جرم‌های اقتصادی به بهترین شکل استفاده کند. روش کار در این سامانه، یعنی «سامانه اعلان گزارش‌های مردمی مبارزه با فساد حوزه وزارت امور اقتصادی و دارایی»^۱ بسیار ساده است. گزارش سوت‌زن، باید موثق، مدلل و مستند باشد و مسؤولیت مطالب اظهار شده بر عهده او است. پس از ثبت نهایی گزارش، کُد پیگیری صادر شده و اقدامات به صورت محرمانه دنبال می‌شود. این سامانه تنها در حیطه وظایف وزارت‌خانه (تخلفات اقتصادی) عمل می‌کند. همچنین، سازمان بازرسی کل کشور، به منظور افشای فساد اقتصادی در بخش‌های دولتی، عمومی و خصوصی سامانه‌ای با نام «سامانه سوت‌زنی و گزارشگران فساد»^۲ ایجاد کرده که گزارش فساد به صورت ناشناس را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد. در همین راستا، کلیات طرح حمایت از افشاکنندگان فساد (سوت‌زنی) به تصویب کمیسیون حقوقی و

۱. نشانی پایگاه اینترنتی سامانه: <https://mefa.ir/fa-IR/mefa/12521>

۲. <https://gozaresh.bazresi.ir>





قضایی مجلس رسیده و جزئیات آن برای بررسی بیشتر برای طرح در صحن علنی مجلس به کمیته تخصصی ارجاع شده است.

۲-۲. تعدیل جزئی بار اثبات دعوی

با توجه به مشکلات مربوط به اثبات جرایم اقتصادی و نیز احراز رکن معنوی آنها، نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه، راهکارهای در این موارد به‌ویژه در مورد برخی از جرم‌های اقتصادی مقرر نموده‌اند. قانون ۶ نوامبر ۲۰۱۳ برای تغییر بار اثبات در حوزه پولشویی تصویب شد. مطابق قانون فرانسه، پولشویی به معنای هر شکل از عمل تسهیل و توجیه دروغین مبدأ اموال یا درآمد مرتکب یک جرم است که سود مستقیم یا غیرمستقیم را برای وی به ارمغان می‌آورد. پولشویی همچنین به معنای کمک به جای‌گذاری، پنهان کردن یا تبدیل درآمد مستقیم یا غیرمستقیم یک جرم است. با این حال، اثبات این جرم بسیار دشوار است، زیرا دادستان عمومی باید دلایل مربوط به منشأ مجرمانه و جوه پولشویی را کشف و ارائه دهد. از این رو، ماده جدید (۱-۱-۳۲۴) قانون مجازات فرانسه به صراحت اعلام می‌دارد که منظور، اموال یا درآمدی است که نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم یک جنایت فرض می‌شوند یا ناشی از جنحه؛ در صورتی که شرایط مادی، حقوقی یا مالی سرمایه‌گذاری، پنهان یا تبدیل کردن نمی‌تواند توجیه دیگری جز پنهان کردن مبدأ یا شخص نافع از این اموال یا درآمدها را داشته باشد. بنابراین، از آنجایی که برخی از عناصر نامشروع مبدأ و جوه، توسط دادسرا تمهید می‌شود، بنابراین، به عهده شخص تحت تعقیب است که قانونی بودن منشأ اموال خود را آشکار کند.

معکوس شدن بار اثبات و انتقال مسئولیت تمهید دلیل به متهم در مورد اموال مشکوک و دارا شدن ناروا و بی‌نیازی دادستان از اقامه دلایل که اینک یک بُعد بین‌المللی دارد (نک: مهدوی پور، ۱۳۹۰: ۲۹۷-۲۹۴)، به گونه‌ای در گستره حقوق داخلی ایران نیز وارد می‌شود. تبصره (۳) ماده (۲) قانون مبارزه با پولشویی (۱۳۹۷) در همین راستا قابل توجیه است: «چنانچه ظن نزدیک به علم بر تحصیل مال از طریق نامشروع وجود داشته باشد در حکم مال نامشروع محسوب و مرتکب ... به حبس درجه شش محکوم می‌شود. در هر صورت مال مزبور ضبط خواهد شد مگر اینکه تحصیل مشروع آن اثبات شود». این تبصره،





محدود به اموالی می‌شود که منشأ مشروع آن‌ها ثابت نشده و با توجه به شواهد عینی، ظن قوی به مجرمانه بودن تحصیل وجود داشته باشد. تبصره (۱) ماده (۲) قانون مذکور با این گزاره که «ظن نزدیک به علم به عدم صحت معاملات و تحصیل اموال وجود داشته باشد مانند آن که نوعاً و با توجه به شرایط امکان تحصیل آن میزان دارایی در یک زمان مشخص وجود نداشته باشد»، بار اثبات را دگرگون می‌نماید. در این مورد، مقام تعقیب باید با مدارک عینی ثابت نماید، دارایی‌های مشکوک و با منشأ نامعلوم متوجه شخص است. برای نمونه، زمانی که شخصی به صورت ناگهانی صاحب یک ماشین خارجی لوکس یا یک آپارتمان گران‌قیمت می‌شود یا حساب بانکی وی به صورت چشمگیر و نامتعارفی افزایش می‌یابد، با توجه به سوابق و وضع زندگی ساده و موقعیت کاری او و نیز قرائن و امارات موجود، این نوع دارایی‌ها مشکوک به نظر می‌رسد و در نتیجه باید ثابت شود که از کجا آورده است؟ در این صورت، وظیفه شخص متصرف می‌باشد که برای دفع اتهام از خود ثابت کند که مال و روش تحصیل آن، به صورت مشروع به دست آمده است.

الزام دادستان به اثبات ارکان جرم در این موارد، وظیفه دشواری است که تلاش‌ها برای مبارزه با فساد را ناکام می‌گذارد (نک: رستمی، ۱۳۹۸: ۴۰۷-۴۰۶). برای اینکه پرسش «از کجا آورده‌ای؟» از سطح یک شعار سیاسی فراتر رفته و ماهیت حقوقی به خود بگیرد، ناگزیر بار اثبات دگرگون خواهد شد. البته، الزام به اثبات منشأ دارایی خویش با توجه به شواهد و قرائن موجود، چندان با اصل برائت در تعارض نیست.

۳. قرار دادی شدن تعقیب عمومی

قانونگذار فرانسوی طی دو دهه اخیر، قلمرو اختیارات دادسرا را با هدف پاسخ‌دهی مناسب و کارآمدتر به رفتارهای مجرمانه گسترش داده است. قانون این کشور برای پاسخ به گونه‌های مختلف جرایم، نهادهای گوناگون «معامله‌ای» را در مرحله دادسرا یا پیش از صدور حکم پیش‌بینی نموده است. چنین رویه‌های معامله‌ای تقنینی در حوزه‌های اداری، اقتصادی یا زیست‌محیطی وجود دارد که مطابق ماده (۶) قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه موجب توقف تعقیب و حل و فصل اختلاف در همان مرحله تعقیب می‌شود. منطبق



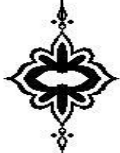


معامله‌ای شدن در حقوق فرانسه اخیراً از رهگذر ایجاد قرارداد قضایی با منافع عمومی نیز تحقق یافت که نسخه جدیدی از منطبق معامله‌ای شدن در جرایم اقتصادی اشخاص حقوقی است (Crocq, 2019: 635).^۱ این رسیدگی‌های معامله‌ای، قانونگذار فرانسوی را به سمت قراردادی شدن^۲ تعقیب جرایم اقتصادی برده که خود جلوه‌ای از افتراقی‌سازی رسیدگی است.

۳-۱. گسترش جایگزین‌های تعقیب

با توجه به عدم مصونیت بزهکاران در حقوق فرانسه، قانونگذار سازوکارهای جایگزین تعقیب عمومی را تدوین، گسترش و در اختیار دادستان قرار داده است. براساس ماده (۱-۴۱) آیین دادرسی کیفری، جایگزین‌های تعقیب باید در رسیدن به چندین هدف تأثیرگذار باشند؛ از جمله جبران خسارات وارده به بزه‌دیده، توقف اختلافات ناشی از جرم و بازسازی مجرم. در فرانسه، زمانی که تعقیب عمومی اجرا نشده است، از یک سو دادستان می‌تواند به طور مستقیم یا از طریق شخص ثالث، در قبال پذیرش یک یا چند جرم، که مجازات آن‌ها جریمه نقدی یا حداکثر پنج سال حبس باشد، پیشنهاد توافق کیفری^۳ را به شخص حقیقی یا حقوقی متهم بدهد. این توافق، ممکن است شامل پرداخت جریمه، تحویل یک مال به دولت، تعهد به عدم خروج از قلمرو فرانسه برای حداکثر شش ماه و غیره باشد. در هر صورت، چنانچه توافق کیفری توسط مجرم کاملاً اجرا گردد، تعقیب متوقف می‌شود (باباخانی و عبداللهی، ۱۴۰۰: ۱۵۸).

از سوی دیگر، قانون نهم دسامبر سال ۲۰۱۶، قرارداد قضایی با نفع عمومی را در ماده (۴۱-۱-۲) قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه پیش‌بینی کرده است «تا زمانی که اقدام به تعقیب عمومی، اعمال نشده باشد، دادستان می‌تواند به یک شخص حقوقی برای یک یا چند جرم اقتصادی/ مالی، قرارداد قضایی با منافع عمومی را با تحمیل چند تعهد ملزم کند». نتیجه این قرارداد قضایی، شامل پرداخت یک جریمه عمومی به خزانه‌داری عمومی



1. Créée par la loi «Sapin II» n° 2016-1691 du 9 décembre 2016.

2. Contractualisation.

3. La composition pénale.



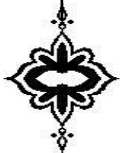
است که مبلغ آن به صورت متناسب با مزایای حاصل از تخلف‌های انجام شده تا حداکثر سی درصد از میانگین گردش مالی سالانه در سه سال گذشته محاسبه می‌شود. هدف این نهاد آن است که با تشویق شرکت‌ها یا اشخاص حقوقی به انعقاد چنین توافقاتی، کیفر مؤثر این جرایم تضمین شود و این رویکرد در مقایسه با محاکمه طولانی مدت که نتیجه آن هم برای آن‌ها و هم برای دادستان عمومی نامشخص خواهد بود، مناسب‌تر است (Brigant, 2018:126). در این صورت، شرکت‌های بزرگ (اشخاص حقوقی) مرتکب جرایم اقتصادی برای همکاری با مقامات قضایی و پرداخت جریمه عمدتاً سنگین اقدام می‌کنند، اما با این حال، مجازات کمتری نسبت به اجرای محاکمه کیفری در صورت تعقیب اعمال می‌شود.

قانون آیین دادرسی کیفری ایران (۱۳۹۲) با پیش‌بینی سازوکارهای جایگزین تعقیب همچون تعلیق تعقیب، بایگانی کردن پرونده و میانجیگری، سیاست ترمیمی و قضازدایی را بر اساس اصل عدم مداخله کیفری در پیش گرفته و سعی نموده که افزون بر جایگزین‌های حبس در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، به سمت جایگزین‌های تعقیب عمومی نیز حرکت نماید و اختیارات دادستان‌ها را در راستای تقویت اصل اقتضای تعقیب افزایش دهد (باباخانی و عبداللهی، ۱۳۹۹: ۵۳). در حقوق ایران می‌توان به نهاد تعلیق تعقیب (ماده ۸۱ ق.آ.د.ک) به عنوان نهاد مشابه توافق کیفری و قرارداد قضایی اشاره کرد که اختیارات دادستان را در مرحله پیش‌دادرسی افزایش داده است. همچنین، نهاد میانجیگری در ماده (۸۲) ق.آ.د.ک، به دلیل آنکه حصول توافق و سازش، لاجرم به قراردادهای تعلیق یا موقوفی تعقیب می‌انجامد، نوعی جایگزین تعقیب در حقوق ایران است که می‌تواند در جهت تأمین منافع عمومی مورد استفاده قرار گیرد. با این حال، اختیار دادستان‌ها در توسل به راهکارهای جایگزین تعقیب محدود به جرایم خفیف (درجه شش تا هشت) است و برخلاف قضات دادگاه که اختیارات گسترده‌ای در اعمال نهادهای ارفاقی دارند، قدرت عمل زیادی نداشته و کارکرد ترمیمی دادسرا در این موارد ضعیف است.



۳-۲. کاهش محکومیت‌ها

جایگزین‌های تعقیب کیفری، حقوق فرانسه را به سمت «قراردادی کردن» حقوق کیفری در امور اقتصادی و مالی سوق می‌دهد که در آن، رضایت مرتکب جرم و پذیرش مجرمیت برای اجرای آن‌ها ضروری است. بدین ترتیب، با توجه به اهمیت جرایم اقتصادی ارتكابی توسط شرکت‌های بزرگ و اشخاص حقوقی، قانونگذار فرانسوی در دو سطح به قراردادی کردن و هم تخصصی کردن رسیدگی به این جرایم پرداخته است. بدین سان که ابتدا اساساً با سازوکار توافق کیفری که در اختیار دادستان است، می‌توان مانع اجرای فرآیند محاکمه و شروع یک رسیدگی کیفری طولانی شد. در سطح دوم با در اختیار گذاشتن ابزارهای قانونی افتراقی برای کشف این گونه جرایم، تخصصی کردن محاکم و کارکنان قضایی، زمینه کشف، اثبات و مجازات این اشخاص را فراهم می‌آورد و بدین ترتیب، خطر بالای تعقیب و محاکمه کیفری مؤثر، همان ابتدا موجب تشویق مرتکبین جرایم اقتصادی برای پذیرش توافق کیفری دادستان می‌شود. این موضوع توسط آمار مربوط به جرایم اقتصادی که در سال ۲۰۱۹ توسط وزارت دادگستری فرانسه منتشر شد قابل اثبات می‌باشد. مطابق با این گزارش و آمارها که به جرایم اقتصادی ارتكابی در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ می‌پردازد: «حدود ۱۳۵۵۰۰ مرتکب جرم در ۱۰۴۷۰۰ پرونده شناسایی شده‌اند که ۳۰ درصد پرونده‌ها قابل تعقیب نبوده‌اند و از هر ۱۰ مرتکب قابل تعقیب، ۹ نفر پاسخ کیفری دریافت کرده‌اند. پاسخ کیفری دادستان در ۷ پرونده از ۱۰ پرونده، اعمال جایگزین تعقیب بوده است که در میان این جایگزین‌ها، توافق کیفری و قرارداد قضایی نیز قرار دارند. نزدیک به یک چهارم پرونده‌ها در دادگاه محاکمه یا تحت تعقیب قرار گرفته‌اند»^۱. بنابراین، تعداد محکومیت‌های کیفری که در سال ۱۹۹۰ حدود ۲۹ هزار پرونده بوده است (Godefroy, 2010:34) در سال ۲۰۱۷ به حدود ۲۵ هزار محکومیت کاهش یافته است. در واقع، این آمارها، کارآیی افتراقی‌سازی را در شناسایی مرتکبین جرایم



1. Infractions économiques et financières : leur traitement judiciaire en 2016 et 2017, 2019. <http://www.justice.gouv.fr/statistiques-10054/infostats-justice-10057/infractions-economiques-et-financieres-32461.html>



اقتصادی و حرکت حقوق فرانسه به سمت توافقی شدن تعقیب با اجرای جایگزین‌ها را نشان می‌دهد.

با این حال، شرط تعلیق تعقیب در حقوق ایران، قابل تعلیق بودن جرم است و در این راستا، جرایم اقتصادی بیش از یکصد میلیون ریال به تصریح بند (ج) ماده (۴۷) قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) قابل تعلیق و تعویق نیستند. البته، قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (۱۳۹۹)، با اجازه تعلیق جرم کلاهبرداری و صور خاص این جرم، قطع نظر از مبالغ ناشی از جرم، رویکرد ملایم‌تری برگزیده است. با توجه به اینکه به موجب قانون مذکور (ماده ۱۱)، کلاهبرداری تا مبلغ یک میلیارد ریال جرم قابل گذشت محسوب می‌شود، لذا در راستای ماده (۱۹۲) ق.آ.د.ک، بازپرس مکلف است در صورت امکان، سعی در ایجاد صلح و سازش و یا ارجاع امر به میانجیگری نماید. بنابراین، تعقیب کلاهبرداری و جرایم مرتبط با آن که مصداق جرم اقتصادی محسوب می‌شوند، ممکن است در مراحل دادسرا (در صورت به نتیجه رسیدن میانجیگری) متوقف گردد. بی‌گمان، گذشت پذیر شدن این جرایم و گره زدن سرنوشت دعوای کیفری به اراده یک فرد (شاکی خصوصی) و نادیده گرفتن حقوق جامعه، با اساس جرم‌انگاری و مبارزه مؤثر با جرم‌های اقتصادی بیگانه است و اجتماع را در قبال این نوع بزهکاران خلع سلاح می‌کند. کاربست جایگزین‌ها و استفاده از نهادهای ترمیمی در صورتی مؤثر است که منافع عمومی را، آن‌سان که سیاست جنایی فرانسه به دنبال آن است، تأمین نماید و با اخذ تعهد از بزهکار و اعمال جایگزین‌ها یا نهادهای ارفاقی او را به اجتماع برگرداند.

نتیجه‌گیری

جهانی شدن جرایم اقتصادی با تکیه بر توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، فرصت‌های تازه‌ای را برای بزهکاران در سطح ملی و بین‌المللی فراهم کرده است. این روند، ثبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را تهدید کرده و امنیت جوامع، ارزش‌های دموکراسی، ارزش‌های اخلاقی و عدالت را در معرض خطر قرار داده و بی‌تردید در

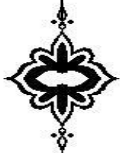




درازمدت توسعه پایدار را نیز به خطر می اندازد. جرایم اقتصادی، افزون بر پیامدهای مخرب بر فضای کسب و کار، می توانند بر توزیع عادلانه ثروت نیز تأثیرگذار باشند که خود سبب تضعیف اعتماد عمومی نسبت به حاکمیت خواهد شد.

با توجه به ویژگی بزهکاران اقتصادی و شیوه ارتکاب بزه، پیچیدگی های فراوانی برای کشف و تعقیب آنها وجود دارد که نظام عدالت کیفری سنتی را برای مبارزه مؤثر ناتوان ساخته است. قانونگذار فرانسوی به منظور کارآمدسازی کشف و تعقیب این جرایم و برخورد قضایی مؤثر با بزهکاران، یک رژیم خاص را طراحی نموده که با نظام رسیدگی متعارف بسیار متمایز است. تأسیس مراجع قضایی ویژه برای رسیدگی به جرایم اقتصادی، نهادسازی و تربیت نیروی قضایی و پلیسی متخصص، بخشی از گستره اقدامات قانونی است. دگرگون کردن بار اثبات و پذیرش اماره بزهکاری، در مواردی که ظن پولشویی وجود دارد و قراردادی کردن تعقیب و تجویز جایگزین ها برای حمایت از منافع عمومی و حقوق بزه دیده از نکته های قابل توجه در حقوق فرانسه است. قانون پولشویی ایران (۱۳۹۷) نیز در تبصره های سه گانه ماده (۲) آن، با تغییر بار اثبات در موارد معاملات و دارایی ها مشکوک و تحصیل نامشروع مال، گام هایی را برای مبارزه مؤثر با بزهکاران اقتصادی برداشته است.

با این حال، برخلاف حقوق فرانسه، حقوق ایران، دست کم از منظر حقوق شکلی، رویکرد منسجم و منظمی نداشته و رژیم افتراقی برای مبارزه با این جرایم تعریف نشده است. با وجود تصریح به «دادسرای ویژه جرایم اقتصادی» در ماده (۲۵) قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ که در ماهیت تخصصی است و صلاحیت ذاتی ندارد، دادگاه اختصاصی برای این جرایم پیش بینی نشده و رسیدگی به جرایم اقتصادی، حسب مورد در دادگاه های کیفری یک و دو و گاه بنا بر ملاحظات نوع جرم (اخلال در نظام اقتصادی) در دادگاه های انقلاب انجام می گیرد. در مواقع بحران نیز فرآیند رسیدگی از رهگذر آیین نامه های ویژه و با عدول از سازوکارهای قانونی دنبال می شود که نمونه برجسته آن





تشکیل دادگاه‌های ویژه رسیدگی به اخلال گران نظام اقتصادی در سال ۱۳۹۷ است. در واقع، افتراقی شدن نظام دادرسی جرایم اقتصادی در ایران، بیش از آنکه معلول اراده قانون‌گذار باشند، ثمره دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های ریاست قوه قضاییه است که بعضاً جنبه استیذانی دارند.

با وجود برخی اشتراکات در رسیدگی به جرایم اقتصادی در حقوق ایران و فرانسه، مانند دگرگون شدن بار اثبات در پولشویی و جرم‌های مرتبط با آن، نظام حقوقی ایران فاقد یک سیاست جنایی منسجم و مؤثر برای تعقیب و رسیدگی به جرایم اقتصادی است و این ضعف، از نبود رویکرد افتراقی در قبال این جرایم و پراکندگی مقررات نشأت می‌گیرد. افزون بر این، بخشنامه‌گرایی و سیاست‌گذاری هیجانی و تعلیق تشریفات رسیدگی در پاسخ به بحران‌های اقتصادی که خود ثمره بحران‌های دیگر است، نوعی آشفتگی را به ارمغان آورده که تأثیر آن در پیشگیری از این جرایم دست کم موقتی و موردی است. سیاست‌های افراط و تفریط و رویکردهای مشدد در قبال این نوع بزهکاران که گاه همراه با بازنمایی رسانه‌ای است، نوعی پاسخ به افکار عمومی نگران و مضطرب از فشارهای اقتصادی و تورم‌های سنگین می‌باشد که در مجموع مطلوب نبوده و حالت مسکن‌گونه دارد. سیاست‌گذاری‌های عوام‌گرایانه و منطبق با خواست توده مردم که به طور عمده دانش لازم را در حوزه جرایم اقتصادی و علل شکل‌گیری آن‌ها ندارند، در کنار عدم توجه به یافته‌های جرم‌شناسی و سیاست، از مشکلات جدی نظام عدالت کیفری ایران است.

با توجه به نیازهای روز جامعه و توسعه روزافزون جرایم اقتصادی و پیچیدگی‌های آن، پیشنهاد می‌شود که قوانین کیفری ایران با اتکاء به دیدگاه‌های جرم‌شناختی و تجربه کشورهای چون فرانسه، از بُعد شکلی و ماهوی براساس یک سیاست جنایی افتراقی متناسب با آثار و ابعاد مفسدات اقتصادی اصلاح گردد و رژیم جداگانه و متمایزی برای کشف و تعقیب بزهکاران اقتصادی به منظور مقابله کارآمدتر با مفسدان و مرتکبان

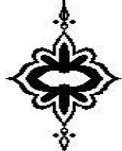




این‌گونه جرایم از رهگذر حمایت از اعلام‌کنندگان جرم و حمایت از سازمان‌های اجتماعی افشاگر تعریف شود.

منابع

۱. آیت، علیرضا، پاکزاد، بتول، عالی‌پور، حسن، صابر، محمود، ۱۳۹۸ ش، توجیه رسیدگی افتراقی برای جرایم اقتصادی: تهدید جرم یا خطر مرتکب؟، پژوهش حقوق کیفری، سال هشتم، ش ۲۸.
۲. باباخانی، عرفان، عبداللهی، افشین، ۱۴۰۰ ش، امکان اعمال جایگزین‌های تعقیب کیفری نسبت به اشخاص حقیقی و حقوقی در حقوق ایران و فرانسه، پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۲۲، ش ۵۳.
۳. -----، ۱۳۹۹ ش، امکان اعمال قرارداد قضایی با منافع عمومی نسبت به اشخاص حقوقی در حقوق ایران (با نگاهی به حقوق فرانسه)، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۱۷، ش ۲۰.
۴. پاک‌نیت، مصطفی، ۱۳۹۶ ش، افتراقی شدن دادرسی کیفری، تهران، نشر میزان، چ ۱.
۵. پوراسد، رضا، ۱۳۹۹ ش، مفاسد اقتصادی و لزوم دادرسی افتراقی، مجله دادرسی، ش ۱۴۲.
۶. جعفری، امین، ۱۳۹۹ ش، مبانی حقوق کیفری کسب و کار، تهران، نشر سمت، چ ۱.
۷. حسینی، سید حسین، اسمعیل‌زاده، لیدا، ۱۳۹۳ ش، جنبه‌های عوام‌گرای سیاست کیفری ایران در قبال فساد اقتصادی، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهاردهم، ش ۵۴.





۸. خدائیان چگنی، ذبیح‌اله، ۱۳۹۱ ش، بررسی تطبیقی نهادهای نظام عدالت کیفری فرانسه و ایران در مقابله با جرایم اقتصادی، مطالعات حقوقی، دوره ۴، ش ۲.
۹. رستمی، هادی، ۱۳۹۸ ش، تحصیل مال از طریق نامشروع در پرتو مقررات پولشویی، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۹، ش ۲.
۱۰. -----، ۱۴۰۰ ش، سیاست جنایی بخشنامه‌مدار در فرآیند دادرسی کیفری، مجله مجلس و راهبرد، سال ۲۸، ش ۱۰۸.
۱۱. زرنشان، شهرام؛ شجاعی نصرآبادی، محمد، ۱۳۹۶ ش، ضرورت جرم‌انگاری پولشویی مستقل از جرم منشأ، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۱۴.
۱۲. فلاح‌زاده، علی محمد، کامرانی، محیا، ۱۳۹۸ ش، ارزیابی آیین رسیدگی دیوان محاسبات کشور از منظر دادرسی منصفانه، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۳، ش ۱۰۸.
۱۳. فتحی، محمد جواد، امیرحاجلو، فضل‌الله، جلوه‌های دادرسی افتراقی قاچاق کالا (در پرتو دادرسی منصفانه)، ۱۳۹۷ ش، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۸، ش ۲.
۱۴. قهرمانی، مجتبی، ساییانی، علیرضا، ۱۳۹۸ ش، بررسی تطبیقی دادگاه‌های ویژه مبارزه با مفاسد اقتصادی ایران با تأکید بر اصل حتمیت اجرای مجازات‌ها، مجله پژوهش حقوق کیفری، سال هفتم، ش ۲۷.
۱۵. سلطانی فرد، حسین، مالمیر، محمود، عالی‌پور، حسن، ۱۳۹۷ ش، آیین دادرسی جرایم اقتصادی؛ پیوند محتوا و شکل، مجله مطالعات حقوقی، دوره ۱۰، ش ۳.
۱۶. کریمی، سعیده، ۱۳۹۷ ش، پیشگیری فناورانه از تخلفات و جرایم مالیاتی در ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چ ۱.





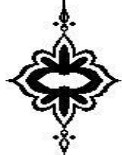
۱۷. مهدوی پور، اعظم، ۱۳۹۰ ش، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، تهران، نشر میزان، چ ۱.

۱۸. نیازپور، امیر حسن، ۱۳۹۸ ش، آیین دادرسی کیفری اقتصادی، تهران، نشر میزان، چ ۱.

۱۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۹۷ ش، سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی، در: نیازپور، امیر حسن، «به کوشش»، مجموعه مقاله‌های همایش «سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی»، اردیبهشت ۱۳۹۵، تهران، نشر میزان، چ ۱.

۲۰. نجفی، مرتضی، رحیمی، علی، ۱۳۹۷ ش، بررسی تطبیقی جرم‌یابی جرایم سازمان‌یافته در نظام عدالت کیفری فرانسه و ایران، فصلنامه نظارت و بازرسی، سال ۱۲، ش ۴۵.

21. Blanchot, Alain (2018), *Infraction en matière économique et financière*. Poursuite, paris.
22. Brigant, Jean-Marie (2018), *Le risque de corruption*, Dalloz, Paris.
23. Catelan, Nicolas (2014) *Lutte contre la délinquance économique*, Dalloz, Revue de science criminelle, N°2.
24. CROCQ, Jean-Christophe (2019), *Le guide pénal*, Paris, Dalloz.
25. Godefroy, Thierry (2010), *La délinquance économique et financière serait-elle en voie de disparition*, *Après-demain*, Vol. 16.
26. Houlette, Eliane (2017), *Le parquet national financier bilan, actions, perspectives*, N°39.
27. Marin, Jean-Claude (2015), *Le rôle du Ministère public en matière économique et financière*, *Journée de formation à la Cour de cassation*.
28. Parisien, Bruno (2018), *L'enquête judiciaire en matière économique et financière : une réforme nécessaire*, Thèse, l'Université de Strasbourg.
29. Pradel, Jean, Dallest (2012), *Jean, La criminalité organisée : droit français, droit international et droit comparé*, LexisNexis, Paris.
30. Potaszkin, Tatiana (2014), *L'éclatement de la procédure pénale ; Vers un nouvel ordre procédural pénale*, Lextenso, Paris.



31. Quéméner, Myriam (2014), Le Procureur financier, Revue Internationale d'Intelligence Économique, Vol. 6.
32. Reeves-Latour (2016), Maxime, Réaction sociale et criminalité en col blanc, l'Université de Montréal, Vol. 49.
33. Statsiak, Frédéric (2017), L'éviction du juge pénal en matière économique et financière, Archives de politique criminelle, N°39.
34. Tessier, Maxime (2014), Les procédures de la criminalité organisée devant la cour de cassation, édition L'Harmattan.
35. Vergès, Etienne (2014), Le procureur de la République financier: entre projet politique et recherche de l'efficacité, Revue de science criminelle, N°1.



فصلنامه پژوهش حقوق اسلام و فقه - مقاله پژوهشی - سال نهم - شماره یک - بهار ۱۳۹۱

